استحکام بدنه خودرو دغدغه پلیس است

رئیس پلیس راهور فراجا گفت: اگر خودرویی نتواند هنگام وقوع تصادف از جان راننده و سرنشینان آن حفاظت کند، نشان دهنده کیفیت پایین خودرو بوده و نمی‌توان نام یک خودروی ایمن را روی آن گذاشت. سردار سیدتیمور حسینی در جریان بازدید از پنجمین نمایشگاه خودروی تهران گفت: ایمنی خودروها یکی از دغدغه‌های جدی پلیس راهور است و ما معتقدیم که ایمنی خودرو باید به گونه‌ای باشد که اگر فرضا راننده‌ای هم خطا یا غفلت کرد و دچار حادثه شد، شرایط ایمنی راه و خودرو طوری باشد که از شدت حادثه و خسارات جانی جلوگیری کند. وی از تلاش برای ایجاد مرکز آزمون تصادف از سوی شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران خبر داد و گفت: در حال حاضر یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های پلیس راهور بحث ایمنی خودرو و به‌خصوص استحکام بدنه است. اگر خودرویی نتواند هنگام وقوع تصادف از جان راننده و سرنشینان آن حفاظت کند، نشان‌دهنده کیفیت پایین خودرو بوده و نمی‌توان نام یک خودروی ایمن را روی آن گذاشت. رئیس پلیس راهور

فراجا در ادامه با اشاره به نقش پراهمیت استحکام بدنه یک خودرو در کاهش آمار جانباختگان و مصدومان یک تصادف افزود: در همین خصوص تنها شرکتی که این امکان را دارد تا با انجام صحیح تست‌های سنجشی، استحکام بدنه یک خودرو را مشخص کند و به آن خودرو نمره قبولی بدهد، مرکز آزمون تصادف یاکراش تست است که بنابر گفته شرکت بازرسی کیفیت و استاندارد ایران مقرر شده تا پایان شهریور ۱۴۰۳ شاهد افتتاح این مرکز باشیم.

روایت پدر از قتل دختر ۷ ساله

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

باگذشت سه روز از قتل فاطمه‌زهرا دختر هفت ساله کرجی، علت قتل او همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این در حالی است که براساس اعلام پلیس آگاهی استان البرز، این دختربچه قربانی کینه و اختلاف شده است. پدر فاطمه‌زهرا در گفت‌وگو با خبرنگار جام جم، جزئیات تازه‌ای از این جنایت را تشریح کرد.

حوالی ظهر روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن ماه بود که خبر ناپدید شدن فاطمه‌زهرا در فضای مجازی منتشر و تقلای بسیاری از اهالی البرز برای یافتن سرنخی از او آغاز شد. چند ساعت بعد که با پدر دختربچه صحبت کردیم، به شدت مضطرب و منتظر یک تماس تلفنی نجات‌بخش بود تا از برزخ بی‌خبری رها شود. ساعاتی بعد از آخرین تماس‌مان، فرمانده انتظامی استان البرز خبر قتل دختربچه را اعلام کرد.

محمد سعیدی، پدر فاطمه‌زهرا در گفت‌وگو با جام جم پرده از قتل او برمی‌دارد: «ساختمانی که من و برادرانم در آن زندگی می‌کنیم، متعلق به پدرم است که او طبقه اول را به یک زوج اجاره می‌دهد. آنها حدود دو سال است مستاجر پدرم هستند. تمام بنگاه‌های منطقه می‌دانند که او واحدش را به زوج‌هایی اجاره می‌دهد که تازه زندگی‌شان را آغاز کرده‌اند. او در دریافت اجاره‌بها هم منصف بود. مثلا اگر پنج میلیون تومان بود، پدرم دو میلیون می‌گرفت تا زندگی زوج‌ها جان بگیرد. برای همین این شایعه که مستاجر با صاحبخانه یعنی پدرم اختلاف و مشکل داشت، دروغ است. اخلاقی نیست برخی برای دیده شدن در فضای مجازی هر مطلبی را منتشر کنند. صحبت‌هایم با رسانه شما مورد تایید من است. در مدتی که این زن و شوهر بدون فرزند، مستاجر پدرم بودند، هرگز آنها را ندیدیم. روز قبل از جنایت، زن همسایه غیرمنتظره به درخانه ما آمد و به همسرم گفت به دخترت بگو بیاید. همسرم پرسید با او چه کار داری که جواب داد دلم برایش تنگ شده است و می‌خواهم او را ببینم. دخترم آمد و زن همسایه او را در آغوش گرفت و بوسید. بعد چند مجله تفریحی به عنوان هدیه به او داد و گفت: می‌دانی چقدر دوستت دارم؟! دیشب خوابت را دیدم. از بس دوستت دارم نتوانستم تحمل کنم و آمده‌ام ترا ببینم. دخترم فقط هفت سال داشت. وقتی به دختربچه محبت کنی، در ذهن کودکانه‌اش می‌گوید چقدر این آدم خوب و مهربان است. روز جنایت، ساعت ۷ و ۲۵ دقیقه صبح سرویس دخترم آمد تا او را به مدرسه برساند. وقتی بوق زد، همسرم به دخترم گفت برو پایین تا من هم چادر سرکنم و بیایم.»

کمین قاتل

فاطمه‌زهرا با شوق کودکانه پایین رفت؛ غافل از این‌که هیولای مرگ به انتظار نشسته بود: «دخترم به پارکینگ رفت و دیگر نمی‌دانیم چه اتفاقی افتاد و زن همسایه باید اعتراف کند. تمام این اتفاقات در مدت ۲۰ تا ۳۰ ثانیه افتاد. راننده سرویس که جلوی در بود، گفت آقای سعیدی یک خودرو با عجله از پارکینگ‌تان بیرون رفت. راننده ابتدا به در پارکینگ کوبید، بعد دنده عقب گرفت و به خیابان رفت. پرسیدم دخترم کجاست؟ گفت دخترت اصلا از در خانه بیرون نیامد. همان جا به پراید هاچ‌بک نوک مدادی که صاحبش مستاجر خانه ما بود، مشکوک شدیم و بعد با مراجعه به دادگستری پرونده بچه‌دزدی تشکیل دادیم و تحقیقات پلیس شروع شد. من که مشکوک شده بودم به مرد مستاجر گفتم از همسرت بپرس چرا این‌طوری از خانه بیرون رفته است. او هم زنگ زد و زن گفت سرکار هستم. از محل کارش جویا شدیم که گفتند دو ماه است اخراج شده. شوهرش دوباره زنگ زد و این بار گفت جای دیگری است. بار سوم تماس گرفت که زن گفت می‌خواهد قهوه بخرد. از صبح به او زنگ می‌زدیم که برگردد، اما مدام طفره می‌رفت.» درحالی که عکس‌های فاطمه‌زهرا با لباس فرم مدرسه در فضای مجازی دست به دست می‌شد، ماموران آگاهی استان البرز شروع به بررسی دوربین‌های مداربسته کردند و خودرویی را دیدند که کودکی در آن نشسته بود: «دختر سنی نداشت که جیغ بزند و کمک بخواهد. او خیلی مظلوم بود. برادرزاده ۱۴ ساله‌ام که هرروز ساعت شش و نیم صبح به مدرسه می‌رفت به من گفت سه چهار روز بود که می‌دیدم آن زن در حالی که پتورویش کشیده، داخل پراید روشن می‌نشست. انگار از قبل نقشه کشیده بود که دخترم را تنها گیر بیاورد.» زن همسایه سرانجام ساعت ۱۱ صبح سه‌شنبه به خانه برگشت و همراه شوهرش بازداشت شد. آن‌طور که پدر دخترک می‌گوید، زن همسایه حتی در پلیس آگاهی حاضر به همکاری نبود. او به قتل اعتراف کرده بود، اما می‌گفت برای قتل همدست داشته و نام‌های مختلفی به پلیس می‌داد، اما با تحقیقات مشخص شد در این قتل تنها بوده است: «هنوز نمی‌دانیم دخترم چطور به قتل رسیده اما به گفته یکی از ماموران جای یک ضربه روی سر بچه‌ام بود. او دخترم را دو روز در بیابان رها کرده بود و ساعت پنج شش بعد ازظهر چهارشنبه پیکر او پیدا شد.» بغض راه‌گلوی پدر را می‌بندد و بعد از کمی سکوت ادامه می‌دهد: «نمی‌دانیم انگیزه او چه بوده و منتظریم آگاهی اعلام کند. بعضی می‌گویند از سر حسادت و این‌که فرزندی نداشت، دست به قتل زده است.»

سردار حمید هداوند، فرمانده انتظامی استان البرز با اشاره به ارجاع پرونده مفقودی دختربچه هفت‌ساله در منطقه شهرک یاس کرج گفت: «متهم پرونده که زنی ۳۵ ساله است، در تحقیقات گفت به دلیل اختلاف و کینه‌ای که داشته، کودک را ربوده و با انتقال به بیابان‌های اطراف ساوجبلاغ او را به قتل رسانده است.

«جام جم» گزارش می‌دهد

پرده آخر نمایش سیاه آقای کارگردان

کارگردان جوان تئاتر که متهم به آزار شیطانی دو کارآموز خود در کلاس‌های خصوصی مدیتیشن و ماورایی بود، پس از محاکمه به اعدام محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل امسال با مراجعه دختر جوانی به پلیس آگاهی تحقیقات جنایی در این پرونده آغاز شد. دختر جوان در شکایت خود به ماموران گفت: «عاشق بازیگری هستم و به همین خاطر در کلاس‌های آزاد بازیگری ثبت نام کردم. مربی کلاس مدعی بود از کارگردان‌های تئاتر است. مرد ۳۲ ساله بعد از چند جلسه ادعا کرد من استعداد خوبی در بازیگری دارم و اگر در کلاس‌های خصوصی مدیتیشن شرکت کنم، می‌توانم خیلی زود به یک سوپراستار تبدیل شوم. چند جلسه به خانه‌اش رفتم و در این کلاس‌های ماورایی شرکت کردم اما آخرین بار او مرا مورد تعرض قرار داد. تصمیم گرفتم از او شکایت کنم.»

پس از این شکایت، ماموران تحقیقات خود را آغاز کردند. همزمان دختر ۲۳ ساله دیگری با حضور در پلیس آگاهی علیه کارگردان جوان شکایت کرد و گفت: «برای تمرین‌های خصوصی به خانه متهم رفته بودم و متوجه حرف‌های نامربوط او شده و تصمیم گرفتم دیگر به خانه‌اش نروم اما در آخرین جلسه، مرا مورد آزار قرار داد. ابتدا شکایت نکردم اما وقتی فهمیدم دختر دیگری هم قربانی شده موضوع را با خانواده‌ام در میان گذاشته و شکایت کردم.» پس از طرح این دو شکایت، پرونده به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و رئیس دادگاه دستور بازداشت متهم را صادر کرد. در جلسه تحقیقات مقدماتی، شکات به طرح شکایت پرداخته و ادعا کردند دختران دیگری هم در دام آقای کارگردان گرفتار شده اما حاضر به شکایت نیستند.

متهم در دفاعیاتش منکر ادعاهای این دو دختر شد و گفت: من با کارآموزهای خود رابطه دوستانه داشتم و آنها را آزار ندادم. دختران با میل خودشان به خانه‌ام آمده و با من ارتباط داشتند. نمی‌دانم چرا حالا این شکایت را علیه من مطرح کردند. پس از بررسی مستندات پرونده و شکایت دو دختر جلسه محاکمه متهم به صورت غیرعلنی برگزار شد. در این جلسه متهم دوباره منکر اتهامش شد. قضات دادگاه پس از بررسی شکایت دختران و دفاعیات متهم و وکیلش، او را به اعدام محکوم کردند.

عدلیه

۱۰۰۰ ساعت تلاش برای بخشش قاتل

بعد از ۱۰۰۰ ساعت تلاش واحد صلح وسازش، مردی که همسرش را ۱۲ سال قبل کشته بود به شرط تهیه فیش حج برای مادرزنش بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، مرد ۶۰ ساله فروردین ۹۰ با همسرش که دخترعمویش بود، درگیر شد و او را با شلیک گلوله سلاح شکاری در خانه‌شان در لنده، شهرستان دهدشت استان کهگیلویه و بویراحمد به قتل رساند. ابتدا ماجرا را خودکشی جا زد که موفق نشد و به قتل اعتراف کرد و روانه زندان شد. بعد از محاکمه حکم قصاص گرفت. نام او در فهرست افراد اعدامی‌ها قرار گرفت، دو بار پای چوبه دار رفت و سرانجام بعد از ۱۲ سال بخشیده شد. محمدبهشتی فر، صلح‌یار شورای حل اختلاف شهرستان یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد دراین باره به جام جم گفت: در طول ۱۲ سال جلسات متعددی را برای گفت‌وگو و صلح و سازش با خانواده مقتول انجام دادیم. این جلسات برای بیش از ۱۰۰۰ ساعت تشکیل شد. در روز مادر نیز با آنها حرف زدیم حتی آذر خانم شهسواری، مسئول کمیته سفیران صلح و دوستی انجمن حمایت از زندانیان و یکی از خیرین و عضو صلح و سازش مستقر در دادسرای امور جنایی تهران نیز برای جلب رضایت از خانواده مقتول با گروه صلح و سازش ما همراه و برای جلب رضایت پیشقدم شد.

وی افزود: چون خودم از خادمان امام رضا(ع) بودم، آخرین بار با خادمان امام هشتم به خانه اولیای دم رفتیم. با دیدن پرچم رضوی گریه کردند و داماد را به یک شرط بخشیدند. مادر مقتول به نیابت از اولیای دم اعلام کرده بود، چون دخترش علاقه زیادی به سفر حج داشته و نتوانسته بود برود، او به جای فرزندش به این سفر معنوی برود. مرد زندانی و خانواده‌اش با شنیدن این شرط آن را قبول کردند و مقدمات آن فراهم شد. قاتل بعد از ۱۲ سال رضایت گرفت.

همچنین زندانی ۶۰ ساله بخشیده شده نیز در این باره به جام جم گفت: شب عید برسر این‌که اول خانه پدری من برویم یا نزد خانواده همسرم، دعوای‌مان شد و او به قتل رسید. سختی‌های زیادی را در زندان تحمل کردم. چند جزء قرآن را حفظ کردم. خانواده همسرم بچه‌های‌مان را تنها نگذاشتند و از آنها مراقبت کردند. تا آخر عمر مدیون آنها هستم که از فرزندانم در این ۱۲ سال نگهداری کردند.

اتفاقیه

جنایت زن خدمتکار با نان خامه‌ای

زن خدمتکار که با همدستی مردی با تعارف نان خامه‌ای سمی، زوج میانسال را مسموم و باعث قتل یکی از آنها شده بود، همراه همدستش بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل بهمن امسال زنی با پلیس ۱۱۰ شهرستان قرچک در شرق استان تهران تماس گرفت و اطلاع داد، زوج میانسالی که از اقوام‌شان هستند را بیهوش در خانه یافته است. بعد از آن ماموران و امدادگران اورژانس به محل آمدند و آن دو به بیمارستان منتقل شدند. وضعیت خانه‌شان به‌هم‌ریخته بود و به نظر می‌رسید اموالی از آنجا به سرقت رفته باشد. ماموران به تحقیق از زنی که آنها را یافته بود، پرداختند که او گفت: این زوج از اقوامم هستند و با هم در رفت‌وآمد بودیم. قرار بود به خانه‌شان بروم اما هرچه به تلفن‌های‌شان زنگ زدم کسی پاسخگو نبود. دلنگران شده و به خانه‌شان رفتم و هرچه در زدم جواب ندادند. ترسیدم مبادا دچار گازگرفتگی شده باشند. به کمک همسایه قفل در را شکستیم و با پیکر بیهوش آنها مواجه شدیم.

در حالی که تحقیقات ادامه داشت دو روز بعد مرد میانسال خانواده در بیمارستان به هوش آمد و در تحقیقات پلیسی گفت: همسرم ام‌اس داشت و از سال گذشته با زنی آشنا شده و او به عنوان خدمتکار به خانه‌مان در رفت‌وآمد بود و به همسرم در کارها کمک می‌کرد. آن روز او برای من و همسرم نان خامه‌ای آورد که بعد از خوردن آن سرمان گیج رفت و بیهوش شدیم. دیگر از آن زن ـ خدمتکار ـ خبری ندارم.

ماموران به خانه این زوج رفتند، باقی مانده نان خامه‌ای را به آزمایشگاه جنایی ارسال کرده و پس از بررسی، معلوم شد آغشته به ماده بیهوشی بوده است. زن خدمتکار ۴۰ ساله نیز تلفنش را خاموش کرده و ناپدید شده بود. جست‌وجوها برای یافتن زن سارق ادامه داشت تا این‌که با گذشت ۱۰ روز از حادثه از طریق پلیس به بازپرس کشیک قتل دادسرای شهرستان قرچک اعلام شد این زن مینانسل تسلیم مرگ شده است. با مرگ او روند رسیدگی به پرونده رنگ قتل به خود گرفت. جست‌وجوها برای دستگیری زن سارق این‌بار به اتهام قتل ادامه یافت تا این‌که او چند روز پیش بازداشت شد.

ساسان غلامی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان قرچک با تایید این خبر به جام جم گفت: با تحقیق از متهم زن معلوم شد او از یک سال قبل به‌عنوان خدمتکار برای زوج مینانسال کار می‌کرده و اعتمادشان را جلب کرده و می‌دانسته که چه اموالی در خانه دارند. بعد نقشه سرقت از خانه آنها را طراحی می‌کند و به کمک یک مرد که از آشنایانش بوده آن را عملی می‌کنند. این مرد قرص‌هایی بیهوشی را در اختیار زن خدمتکار قرار می‌دهد و او نیز آن را در شیرینی نان خامه‌ای قرارداده و برای این زوج به خانه‌شان می‌برد. با اعتراف متهم زن، پلیس توانست مردی را که همدست او بود، بازداشت کند. متهمان در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

نظمیه

طرح فتح پلیس در ایستگاه هفتم

نمایشگاهی با کلکسیونی از مجرمان

نمایشگاهی با حضور مجرمانی با کلکسیونی از جرایم، از سارق و اراذل و اوباش گرفته تا قاتل. مجرمانی که در ۷۲ ساعت عملیات ماموران پلیس استان سمنان دستگیر شدند و با اعتراف آنها راز صدها فقره سرقت فاش شد.

سردار جلیل موقوفه‌ای، فرمانده انتظامی سمنان در حاشیه اجرای هفتمین مرحله طرح فتح به خبرنگار جام جم گفت: در اجرای این طرح ۵۳ سارق و مالخر دستگیر و ۲۰۶ پرونده اموال سرقت شده شامل موتورسیکلت و محتویات داخل خودرو و... کشف شد.

وی با بیان این‌که در یک عملیات پلیس استان ۲۶ دستگاه تلفن همراه کشف و سارق آن دستگیر شد، افزود: با تلاش شبانه‌روزی و اقدامات اطلاعاتی کارآگاهان استان باند سارقان غیر بومی که مقادیر زیادی طلا و وسایل منزل در سمنان به سرقت برده بودند، شناسایی و متلاشی شدند و دو نفر از سارقان در استان‌های غربی کشور دستگیر و مقادیری طلا و وسایل مسروقه از آنها کشف شد.

فرمانده انتظامی استان سمنان از برخورد قاطع پلیس با فروشندگان و توزیع‌کنندگان مواد مخدر و کشف ۱۸۹ کیلوگرم انواع مواد خبر داد و گفت: سه باند قاچاق مواد مخدر هم در اجرای این طرح منهدم شد. هشت نفر از اراذل و اوباش هم در مدت ۷۲ ساعت گذشته دستگیر شدند.

وی از شناسایی باند کلاهبرداران حرفه‌ای که با شگرد تماس تلفنی با شهروندان و اغفال آنها در خصوص برنده شدن گوشی تلفن همراه حساب آنها را خالی کرده بودند، خبر داد و گفت: متهم اصلی پرونده و یکی از همدستانش که در سراسر کشور کلاهبرداری کرده بودند در غرب استان تهران دستگیر و به سمنان منتقل شدند و تلاش برای شناسایی سایر همدستان وی ادامه دارد؛ همچنین این پرونده ۱۷ شاکی از سراسر کشور دارد که ۹ فقره از جرایم این باند در پلیس فتای مرکز استان تشکیل شده‌است.

سردار موقوفه‌ای با اشاره به دستگیری سارق حرفه‌ای کابل برق گفت: متهم سیم‌های سرقتی را دور کمر خود بسته بود. در این طرح همچنین سارقی دستگیر شد که برای سرقت طلاهای یک زن، او را کشته بود.

جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
یکشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۲ شماره ۶۶۹۹

کوتاه از حوادث

متهم: مقتول می‌خواست ایدزی‌ام کند

مرد جوان که دوستش را با ضربه چاقو به قتل رسانده، در دادگاه ادعا کرد مقتول مبتلا به ایدز بوده و قصد آلوده‌کردن او را داشته است. به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از اواخر فروردین امسال و با گزارش قتل مرد ۴۷ ساله‌ای به نام یاشار در جنوب تهران آغاز شد. در تحقیقات پلیسی مشخص شد یاشار به‌تنهایی در آن خانه زندگی می‌کرده و با ضربه‌های چاقو در حمام خانه به قتل رسیده بود. هیچ آثاری از ورود به‌زور روی در خانه دیده نمی‌شد و کارآگاهان احتمال دادند او از سوی فردی آشنا به قتل رسیده است. در ادامه بررسی تماس‌های مقتول در دستور کار قرار گرفت و تیم جنایی دریافتند یاشار آخرین بار با یکی از دوستانش به نام سامان چند بار تماس گرفته بود. سامان ۲۷ ساله دستگیر شد و در تحقیقات به قتل دوستش اعتراف کرد. با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری ۱ استان تهران ارسال و متهم در شعبه یازدهم دادگاه کیفری به ریاست قاضی سجاد منافی‌آذر محاکمه شد. در ابتدای جلسه رسیدگی، اولیای دم برای سامان درخواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و در تشریح ماجرا گفت: اتهام قتل را قبول دارم اما باور کنید از روی عمد انجام ندادم. من در دفاع از خودم به یاشار ضربه زدم. ما دوست بودیم و گاهی به خانه‌اش می‌رفتم. آخرین‌بار وقتی به آنجا رفتم، متوجه شدم به بیماری ایدز مبتلاست و این موضوع را از من مخفی کرده بود. وقتی متوجه شدم، بیمار است خواستم از خانه‌اش بیرون بروم که سد راهم شد و تیغی به سمتم گرفت و تهدید کرد تیغ آلوده به ویروس اچ‌آی‌وی است. هر کاری کردم از دستش فرار کنم، نشد و چاقویی برداشتم و به او ضربه زدم و فرار کردم. پس از آخرین دفاع متهم و وکیل مدافعش، قضات وارد شور شده و ادعای دفاع مشروع متهم را رد کرده و او را به قصاص محکوم کردند.

مرگ جوانی در حمله سارقان زورگیر

پسر ۱۸ ساله که در برابر سارقان گوشی تلفن همراهش مقاومت کرده بود، با ضربه چاقوی یکی از آنها به قتل رسید. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۳ بامداد شنبه چهاردهم بهمن امسال یکی از ماموران کلانتری خانی‌آبادنو در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان قتل پسری ۱۸ ساله قرار داد. با دستور قضایی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات در این باره را آغاز کردند که معلوم شد پسر ۱۸ ساله دو روز قبل درحال عبور از بوستان ولایت بوده که موتورسوارانی راهش را سد کردند و بعد با زور و تهدید از او گوشی تلفن همراهش را خواستند که پسر جوان مقاومت کرده و سپس از سوی یکی از مهاجمان هدف ضربات چاقو قرار گرفته و به شدت زخمی شده است. پس از آن، چند رهگذر شاهد ماجرا با مهاجمان درگیر می‌شوند و گوشی را پس می‌گیرند اما ضارب قاتل همراه همدستانش فرار می‌کنند. جوان زخمی هم به بیمارستان منتقل شد اما بعد از دو روز بستری فوت کرد. محمدمهدی براعه، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: با تحقیق از شاهدان شماره پلاک موتورسیکلت سارقان به دست آمد و دو نفر در این رابطه بازداشت شدند. تحقیقات از آنها ادامه دارد تا مشخص شود در ماجرا نقش داشته‌اند یا خیر؟

قتل مرد ۶۰ ساله به دلیل فحاشی

قاتل مرد ۶۰ ساله در تهران که به دلیل فحاشی و ایجاد مزاحمت تحت تعقیب بود، بازداشت شد. به گزارش جام جم، در پی وقوع یک مورد فوت مشکوک در بیمارستانی در تهران بررسی موضوع در دستور کار ماموران اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان در ادامه تن پیمایی از مقتول آثار جراحت روی ناحیه سر مقتول مشاهده کردند. در ادامه تحقیقات خانواده‌اش شناسایی شدند. فرزند وی در اظهاراتش گفت : پدرم اواخر دی امسال به همراه یک تن از دوستانش به یک سفره خانه در نزدیکی لواسانات رفت. در آنجا با چند نفر که با هم نسبت فامیلی داشتند درگیری فیزیکی پیدا کرد. در ادامه پدرم به دلیل جراحات وارده به بیمارستان منتقل شد و دچار مرگ مغزی شد و بعد فوت کرد. در جریان تحقیقات معلوم شد مقتول در شب حادثه در حالی که از حالت عادی خارج بوده به یک سفره‌خانه در محدوده لواسان مراجعه می‌کند و با صدای بلند اقدام به فحاشی می‌کند و با چند تن از افراد حاضر در آنجا درگیر می‌شود که کارآگاهان با توجه به مدارک موجود، پس از شناسایی هویت ضاربان به مخفیگاه آنها اعزام و شش نفر از افراد دخیل در درگیری را دستگیر و به اداره دهم منتقل کردند. متهمان در بازجویی اولیه منکر جرایم شدند اما در ادامه تحقیقات یکی از متهمان اعتراف کرد که آن شب به همراه خانواده برای برگزاری جشن به یکی از سفره‌خانه‌های محدوده لواسان رفته بودند که فردی خارج از حالت طبیعی وارد رستوران شد و با صدای بلند شروع کرد به مردم فحاشی کردن و در ادامه بعد از این‌که به او تذکر دادند وی اعتنایی نکرده بنابراین با وی درگیر شده و چند ضربه با مشت به سر او زده که باعث مرگ وی شده است. تحقیقات از متهم به قتل و همدستانش ادامه دارد.